info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۲۴
سه‌شنبه / ۲ شهریور / ۱۴۰۴
۲ / ربیع الاول / ۱۴۴۷
26 / August / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

یا وفا، یا خبر وصل تو، یا مرگ رقیب
بُود آیا که فلک زین دو سه کاری بکند؟
حافظا گر نَـزوی از در او، هـم روزی
گـذری بـر سـرت از گوشه کِناری بکند

فرهنگ

زندگی محمل کـش وهم دوعالم آرزوست
می‌تپـد در هـر نفـس صد کاروان بانگ درا
بیدل دهلوی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۵	۰۵:۳۴	۱۲:۰۷	۱۸:۴۰	۱۸:۵۹

برگه

بیشتر شکست‌های زندگی ناشی از تسلیم‌شدن در نقطه‌ای است که تنها چند گام تا پیروزی فاصله داشته است...

توماس ادیسون

گزارش روز

از فاجعه چرنوبیل چه می‌دانیم؟

انتشار گزارشی جدید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر نگاه‌ها را به نیروگاه‌هسته‌ای چرنوبیل دوخت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، به تازگی انتشار گزارشی جدید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر نگرانی‌ها را از وقوع یک فاجعه هسته‌ای دیگر در اوکراین تشدید کرده است.

روز جمعه بود که انتشار بیانیه‌ای از سوی رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص اوضاع در اوکراین و وقوع یک رخداد یا فاجعه هسته‌ای در چرنوبیل، بار دیگر نگاه‌ها را به این نیروگاه پر حادثه در طول تاریخ جلب کرد.

بیانیه مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی

وب سایت آژانس بین المللی انرژی اتمی روز جمعه ۲۲ اوت (۳۱ مرداد) بیانیه‌ای را از سوی رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر کرد. در بیانیه گروسی آمده بود: حضور مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در «نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا» به‌منظور تلاش‌هایمان در جهت کاهش خطر رخداد یک حادثه هسته‌ای در میانه درگیری، امری ضروری است.» طبق این بیانیه این سخنان گروسی در حالی بیان می‌شود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سومین سال حضور مستمر خود در این منطقه نزدیک می‌شود.

در ادامه بیانیه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده است: در طول هفته گذشته تیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا تقریبا به‌طور روزانه، شنیده شدن فعالیت‌های نظامی را گزارش کرده‌اند و تیم‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در خملنیتسکی، ریونه و نیروگاه‌های هسته‌ای جنوب اوکراین و نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل حضور دارند، از شنیده شدن صدای آژیر حمله هوایی به شکل روزانه سخن می‌گفتند.

در ادامه بیانیه گروسی آمده بود: «در پنجشنبه صبح، تیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با صدای چندین انفجار از خواب برخاست و بعدا مطلع شد چندین پهپاد بالای منطقه ممنوعه در حدود پنج کیلومتری سایت [هسته‌ای چرنوبیل] شناسایی شده‌اند؛ همچنانکه تیم آژانس صدای آتش ضدهوایی را شنید. موضع من بدون تغییر باقی مانده؛ من در خصوص افزایش تکرار فعالیت‌های پهپادی در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای [چرنوبیل] عمیقا نگران هستم ما بار دیگر خواهان حداکثر خویشتنداری برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه هسته‌ای هستیم».

در این بیانیه همچنین به چالشهای تهیه آب خنک کننده در نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا اشاره و اعلام شده فقدان آب خنک کننده در حالی که آب رو به اتمام است به یک نگرانی جدی برای ایمنی این تأسیسات هسته‌ای به شمار می‌رود.

اما همانطور که دیدیم، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در رأس آن، رافائل گروسی نگران آن است تا نکند در میانه درگیری‌های روسیه و اوکراین و شدت فعالیت‌های نظامی، فاجعه‌ای دیگر در چرنوبیل رخ دهد؛ فاجعه‌ای که می‌تواند یادآور فاجعه اتمی چرنوبیل در اواخر آوریل سال ۱۹۸۶ میلادی باشد. اما از آن حادثه چه می‌دانیم؟

فاجعه اتمی چرنوبیل

فاجعه چرنوبیل (Chernobyl disaster) که گاه از آن با نام «حادثه چرنوبیل» (Chernobyl Accident) یاد می‌شود، طبق آنچه که در دانشنامه بریتانیکا آمده، حادثه‌ای است که در «نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل» در سال ۱۹۸۶ و در زمان شوروی سابق رخ داد و بدترین فاجعه در تاریخ تولید انرژی هسته‌ای به شمار می‌رود.

نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در «شهرک پریپیات» (Pripyat)، در فاصله ۱۰ میلی (۱۶ کیلومتری) شمال غرب شهر چرنوبیل و ۶۵ مایلی (۱۰۴ کیلومتری) شمال کی‌یف، پایتخت اوکراین قرار دارد. این نیروگاه شامل چهار رآکتور بود که هرکدام از آن‌ها هزار مگاوات برق تولید می‌کرد. این رآکتورها در فاصله سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳ عملیاتی شدند.

شروع فاجعه از کجا بود؟

بنابر آنچه در دانشنامه معتبر بریتانیکا آمده این فاجعه در تاریخ ۲۵ و ۲۶ آوریل سال ۱۹۸۶ (برابر با پنجم و ششم اردیبهشت ۱۳۶۵) در دوران شوروی سابق و در جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین (که در آن زمان هنوز بخشی از شوروی به حساب می‌آمد) رخ داد؛ زمانی که تکنسین‌های رآکتور شماره چهار تلاش کردند آزمایشی با طراحی ضعیف انجام دهند.

در آن زمان کارکنان آن رآکتور، سیستم تنظیم توان رآکتور و سیستم‌های ایمنی اضطراری رآکتور را خاموش کرده و بیشتر «میله‌های کنترل» را از هسته آن خارج ساختند اما با این حال اجازه دادند تا رآکتور با ۷ درصد توان به کار خود ادامه دهد.

بایستی در برانترذکر کنیم «میله‌های کنترل» (Control rod) در رآکتورهای هسته‌ای، اجزایی هستند که با جذب نوترون‌ها سرعت واکنش شکافت هسته‌ای را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب، توان رآکتور را کنترل می‌کنند. با وارد کردن این میله‌ها به داخل هسته، نوترون‌های بیشتری جذب شده و واکنش کندتر می‌شود و با خارج کردن آن‌ها، نوترون‌های بیشتری به واکنش ادامه داده و توان رآکتور افزایش می‌یابد.

این اشتباه که توسط کارکنان رآکتور شماره ۴ رخ داد، با اشتباهات دیگر تشدید شد و در ساعت ۱:۲۳ ۰ بامداد به وقت محلی روز ۲۶ آوریل (ششم اردیبهشت ۱۳۶۵) به زنجیره‌ای از واکنش‌ها افزایید که کنترل کار را از دست کارکنان آن خارج کرد.

وقوع چندین انفجار

در نتیجه این اتفاقها چندین انفجار رخ داد که این انفجارها باعث ایجاد یک گوی آتشین بزرگ شد و درب فولادی و بتنی سنگین رآکتور را به بیرون پرتاب کرد. این رخداد و آتش‌سوزی متعاقب آن در هسته رآکتور گرافیتی، مقادیر زیادی مواد رادیواکتیو را به جو آزاد کرد که توسط جریان‌های هوا تا فواصل زیادی حمل شد. همچنین ذوب جزئی هسته نیز رخ داد.

تخلیه شهرک پریپیات و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر مسأله

در ۲۷ آوریل یعنی یک روز بعد، ۳۰ هزار نفر از ساکنان شهرک پریپیات شروع به تخلیه منطقه کردند. بنابر یک مقاله که در خصوص فاجعه چرنوبیل منتشر شده، پس از وقوع این فاجعه دولت اتحاد جماهیر شوروی بلافاصله هرکاری را انجام داد تا حقیقت این حادثه و نیز عواقب و پیامدهای آن برای مردم و محیط زیست را پنهان نگه دارد. در همین راستا دستورالمعلی با عنوان «فوق محرمانه» برای طبقه‌بندی تمامی اطلاعات در خصوص این فاجعه به خصوص سلامتی افرادی که در معرض این فاجعه بودند را منتشر کرد.

اما با وجود تلاش شوروی برای سرپوش گذاشتن بر این حادثه اما دولت سوئد میزان فزایندهای از مواد رادیواکتیویته را که توسط باد منتقل شده بودند، گزارش کرد. بنابر بولتن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در پاییز همان سال ۱۹۸۶، در خصوص نظارت بر «غبار هسته‌ای» (غبار رادیواکتیوی که پس از انفجار هسته‌ای در فضا پخش می‌شود) منتشر شده، آمده بود: بارش هسته‌ای (یا همان غبار هسته‌ای) از رآکتور شوروی نخستین بار در تاریخ ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت ۱۳۶۵) در سوئد کشف شد؛ زمانی که پرسنل شیفت صبح در نیروگاه هسته‌ای فورسمارک سطح فزاینده‌ای از مواد رادیواکتیوی را بر پرسنلی که از کلمیتور پرتال ایستگاه عبور می‌کردند، اندازه‌گیری کرد. همچنین بررسی آلودگی سطحی روی زمین نیز افزایش مواد رادیواکتیوی را نشان می‌داد.

بر اساس گزارش مجله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در همان سال، طبق بررسی‌های اولیه‌ای که از سوی مؤسسه تحقیقاتی دفاع ملی سوئد صورت گرفت مشخص شد منبع این آلودگی هسته‌ای انفجار یک بمب هسته‌ای در جو نبوده؛ بلکه به عوض این بر اثر وقوع حادثه‌ای در یک رآکتور هسته‌ای رخ داده است.

دولت سوئد تلاش کرد تا منبع این فاجعه هسته‌ای را پیدا کند. در ابتدا گمانها به «نیروگاه هسته‌ای بزرگ ایگناليناِ» در لیتوانی رفت که از چرنوبیل به سوئد بسیار نزدیک‌تر بود؛ اما به مرور کشف سطح بالای مواد رادیواکتیو در سوئد با گزارشهای دیگری از فنلاند و دیگر کشورهای اسکاندیناوی تکمیل شد.

پس از این گزارش‌ها بود که سرانجام اتحاد جماهیر شوروی مجبور شد اذعان کند که چنین فاجعه‌ای به وقوع پیوسته است.

رسیدن تشعشعات رادیواکتیوی به کشورهای غربی اروپا

بر اساس گزارشی که در پایگاه «آرشیو اتمی» (atomicarchive) در خصوص فاجعه چرنوبیل منتشر شده، پیش از آنکه خدمه پاکسازی حادثه بتوانند آتش را تحت کنترل آورده و حدود دو هفته بعد وضعیت را تثبیت کنند حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ کوری (Curie) تشعشات رادیواکتیو به جو زمین نشت کرده بود این تشعشات رادیواکتیوی از طریق باد از فراز بالاروس، روسیه و اوکراین عبور کرده بود و به کشورهای غرب اروپا یعنی فرانسه و ایتالیا رسیده بود.

سرانجام ماجرا

سرانجام کارکنان این نیروگاه یک پوسته عظیم بتنی و فولادی را بر روی رآکتور آسیب دیده قرار دادند تا از نشست مواد رادیواکتیوی بیشتر جلوگیری کند. بعدها یک سازه ایمن‌تر بر روی رآکتور شماره ۴ چرنوبیل ساخته شد تا جلوی تشعشات گرفته شود.

قربانیان حادثه

بنابر آنچه در پایگاه «آرشیو اتمی» آمده فاجعه چرنوبیل در ابتدا منجر به مرگ ۳۲ نفر شد؛ همچنانکه دهها نفر نیز که مستقیم با این حادثه در ارتباط بودند نیز به بیماری‌های شدید ناشی از تشعشعات هسته‌ای دچار شدند و برخی از آن‌ها بعدا جان باختند. میلیونها هکتار جنگل و زمین کشاورزی آلوده شدند و هزاران نفر نیز تخلیه شدند.

با این حال صدها هزار نفر در مناطق آلوده باقی ماندند. در سالهای بعد بسیاری از دهها و چهارپایان به شکلی نقص الخلقه متولد می‌شدند و در زمدت انتظار می‌رفت چندین هزار بیماری و مرگ ناشی از سرطان در بین انسان‌ها رخ دهد.

با این حال بنابر آمایی که در دانشنامه بریتانیکا منتشر شده، آمده است که برخی منابع می‌گویند دو نفر بر اثر انفجارهای اولیه جان باختند؛ در حالی که برخی گزارشهای دیگر میزان کشته شدگان را نزدیک به ۵۰ نفر اعلام کرده‌اند.

همچنین طبق اعلام بریتانیکا، دهها نفر دچار بیماریهای شدید رادیواکتیوی شدند که برخی از آنها بعدا جان باختند. بین ۵۰ تا ۱۸۵ میلیون کوری رادیونوکلئید (اشکال رادیواکتیوی از عناصر شیمیایی) به جو نشت کرده مقداری که چندین برابر رادیواکتیویته بیشتر از آنچه که توسط بمب‌های اتمی که بر روی هیروشیما و ناگاساکی ژاپن انداخته شد، ایجاد شد.

مکث

برنج یارانه‌ای، لوکس شد

حال و روز بازار برنج که پس از گندم مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین محصول کشاورزی کشورمان است خوب نیست؛ به‌طوری که با رهاشدن این بازار و عدم نظارت توسط دستگاه‌های مربوطه (از جمله اتاق اصناف، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صمت)، به‌نظر می‌رسد دیگر هر کسی توانایی خرید این محصول را نداشته باشد و عملا طبقات ضعیف از نعمت طبخ برنج ایرانی در سفره خود کمتر بهره خواهند برد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، خبرها حاکی از آن است که با برداشت برنج ایرانی در شمال کشور، قیمت این محصول سرمزرعه نیز سر به فلک کشیده و دیگر بی‌کیفیت‌ترین نوع برنج داخلی نیز سرمزرعه با قیمت ۲۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسد! البته این همه ماجرا نیست، به‌طوری که در تابستان سال جاری با وجود برداشتن محدودیت فصلی واردات برنج، قیمت این کالای اساسی رقم ۳۵۰ هزار تومان را نیز در برخی بازارها به خود دید؛ هر چند که قیمت برنج ایرانی طبق داده‌های مرکز آمار ایران، در پایان تیرماه سال جاری به‌طور متوسط کیلویی ۲۸۰ هزار تومان (۱۶۰ هزار تومان افزایش قیمت در یکسال) به ثبت رسید؛ این در حالی است که در تیرماه سال گذشته این میزان تنها ۱۲۰ هزار تومان بهازای هر کیلوگرم برنج بود.

برنج دولتی به مردم نمی‌رسد

در بازار آزاد نیز قیمت برنج وارداتی هم در یک سال اخیر ۵۳ درصد افزایش یافته و از ۶۱ هزار و ۲۰۰ تومان در تیرماه ۱۴۰۳ به ۹۳ هزار و ۷۰۰ تومان در تیرماه ۱۴۰۴ رسیده است! این امر به‌معنای آن است که قیمت برنج ایرانی تقریبا سه‌برابر شده است؛ به همین دلیل وزارت جهاد کشاورزی با تخصیص ارز ترجیحی در سال جاری مقادیر زیادی برنج از کشورهای دیگر از جمله هند و پاکستان وارد و در بازار عرضه کرد. طبق وعده‌های این وزارتخانه قرار بود انواع برنج هندی و پاکستانی در بازار به قیمت هر کیلو ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان عرضه شود تا اندکی از قیمت سرسام آور برنج ایرانی کاسته شود؛ امری که به نظر می‌رسد به هدف نرسیده و قیمت برنج داخلی را نیز کاهش نداده، به‌طوری که این مهم نیز توسط امین حسین رحیمی، وزیر دادگستری بیان شده وی به صراحت گفته که برنج وارداتی به دست مردم نمی‌رسد. رحیمی در این خصوص اظهار کرد: برنج پاکستانی با ارز ترجیحی وارد می‌شود اما توزیع مناسب آن به‌دست مردم به دلیل دخالت وارد کننده و ضعف نظارت، با مشکل مواجه است. وی افزود: برنج وارداتی علی‌رغم داشتن قیمت مصوب به‌دست مردم نمی‌رسد و برای جلوگیری از کمبود و نوسانات قیمت، دولت مسئولیت کامل توزیع این کالا را برعهده خواهد گرفت. وزیر دادگستری خاطرنشان کرد: شرکت بازرگانی دولتی ایران در وزارت جهاد مسئولیت توزیع برنج وارداتی را به عهده خواهد گرفت تا کالا به قیمت مصوب و با کیفیت مناسب به دست مردم رسیده و از نوسانات قیمت و کمبود کالا جلوگیری شود. چندی پیش هم رئیس دستگاه قضا نسبت به احتکار برنج هشدار داده و تصریح کرد: با اخلال‌گران برخورد می‌شود.

حضور پررنگ واسطه‌گرها در بازار برنج

کارشناسان معتقدند شیوه توزیع کالاهای اساسی به خصوص برنج، سبب شده که عمده این کالا با افزایش قیمت سرسام‌آور روبه‌رو شوند. برنج داخلی به‌صورت عمده از کشاورز با قیمت پایین خریداری می‌شود اما به‌جای عرضه پیوسته، به صورت محدود و قطره‌چکانی وارد بازار می‌شود تا قیمت‌ها بالا نگه داشته شود. این الگوی توزیع، عملا شبکه واسطه‌گری را به بازیگر اصلی بازار تبدیل کرده است؛ به دلیل ضعف نظارت و نبود شفافیت در زنجیره تأمین، تفاوت قیمت خریدار کشاورز و فروش به‌مصرف‌کننده به‌شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. با این حال وزارت جهاد کشاورزی نیز بارها تلاش کرده با وعده تنظیم بازار کاهش قیمت برنج را امری تدریجی اعلام کرده و به نوعی از زیر بار مسئولیت تنظیم بازار شانه خالی کند. در سال جاری به‌وضوح می‌توان کمبود برنج در کشور را دید اما این وزارتخانه همواره با ارائه آمارهای نادرست از میزان تولید برنج در کشور تلاش کرده تا میزان موجودی برنج در کشور را مطلوب جلوه دهد؛ به طوری که کارشناسان معتقدند میزان تولید دو میلیون و ۵۰۰ هزار تن برنج اعلامی که مسئولان وزارت جهاد کشاورزی از آن دم می‌زنند، نادرست بوده و در بهترین حال میزان واقعی تولید این محصول دو میلیون تن است. با این حال بالاخره آش این آمارهای اشتباه آن‌قدر شور شد که در نیمه اول مردادماه سال جاری غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی کمبود برنج در بازار را رسما اعلام کرد و گفت این امر ناشی از کاهش ۳۰۰ هزار تنی برنج تولید داخل است در حالی که پیش‌تر از این نوری قزلجه همواره بر افزایش واردات، افزایش تولید داخل و احتکار سودجوها تاکید می‌کرد.

مشکل برنج توزیع نامناسب است نه کمبود واردات

مشکل برنج، توزیع نامناسب است و کمبود وارداتی در این خصوص دیده نشد. آمارهای گمرک گویای آن است که در چهار ماهه سال جاری ۶۸۹ هزار و ۷۹۲ تن برنج به ارزش ۷۴۳ میلیون و ۲۷۷ هزار دلار از گمرکات شمال و جنوب و مناطق آزاد و ویژه کشورهای از مقاصد کشورهای هند، پاکستان، امارات و تایلند وارد شده است. این در حالی است که در سال گذشته تنها ۴۶۱ هزار و ۹۴۳ تن برنج به ارزش ۵۱۴ میلیون و ۶۵۱ هزار دلار وارد کشورمان شده بود که نشان دهنده آن است که واردات برنج به لحاظ وزنی رشدی ۴۹ درصدی و به لحاظ ارزشی رشدی ۴۴ درصدی داشته است.

اشاره

آیا هیئت همراه دکتر مصدق در آمریکا جاسوس داشت؟

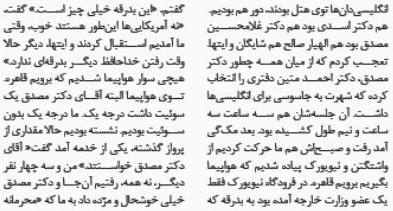

«محرمانه به آمریکا توافق شده که ایتها صدویست میلیون لیره در عرض شش ماه به ما بدهند که ماهی بیست میلیون که ما چرخ‌مان را بگردانیم تا کارها چیز بشود».

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، مظفر بقائی کرمانی متولد ۱۲۹۱ متوفی به سال ۱۳۶۶ از فعالان سیاسی ایرانی، مؤسس روزنامه شاهد، مؤسس و رهبر حزب زحمتکشان ملت ایران و از بنیان‌گذاران جبهه ملی ایران بود. او در سال ۱۳۶۵ با تاریخ شفاهی هاروارد مصاحبه کرد و در آن خاطرات سیاسی خود را از دوران پهلوی ذکر کرده است. در این قسمت به بخشی از خاطرات او می‌پردازیم که ذکر مذاکرات نفتی دکتر مصدق و هیئت آمریکایی در سال ۱۳۳۰ است:

«پلیز سال ۱۳۳۰ است که دکتر مصدق و هیئت همراه به آمریکا رفتیم برای حضور در شورای امنیت و صحبت با دولت آمریکا و ترومن رییس جمهور آمریکا یک شب در جلسه‌ای آقای جرج مک‌گی معاون وزیر خارجه آمریکا و نماینده ترومن در مذاکرات نفتی با ایران خدمت آقای دکتر مصدق است. مترجم دکتر مصدق آقای دکتر احمد متین دفتری داماد خودش است. که من این را که شنیدم خیلی تعجب کردم چون همه آن انگلیسی‌دان‌ها توی هتل بودند. دور هم بودیم. هم دکتر اسدی بود هم دکتر غلامحسین مصدق بود هم الهیار صالح هم شایگان و ایتها تعجب کردم که از میان همه چطور دکتر مصدق، دکتر احمد متین دفتری را انتخاب کرده که شهرت به جاسوسی برای انگلیسی‌ها داشت. آن جلسه‌شان هم سه ساعت سه ساعت و نیم طول کشیده بود. بعد مک‌گی آمد رفت و صبح‌اش هم ما حرکت کردیم از واشنگتن و نیویورک پیاده شدیم که هواپیما بگیریم برویم قاهره. در فرودگاه نیویورک فقط یک عضو وزارت خارجه آمده بود به بدرقه که من تعجب کردم به یادم نیست کدام یکی از همسرهای‌مان هتوز توی هواپیما بودند گفتم «این بدرقه خیلی چیز است.» گفت: «نه آمریکایی‌ها این‌طور هستند. خوب، وقتی ما آمدیم استقبال کردند و ایتها. دیگر حالا وقت رفتن خداحافظ دیگر بدرقه‌ای ندارد» هیچی سوار هواپیما شدیم که برویم قاهره. توی هواپیما البته آقای دکتر مصدق یک سوئیت داشت درجه یک. ما درجه یک بدون سوئیت بودیم. نشسته بودیم حالا مقداری از پرواز گذشته. یکی از خدمه آمد گفت: «آقای دکتر مصدق خواستند.» من و سه چهار نفر دیگر. نه همه. رفتیم آن‌جا و دکتر مصدق خیلی خوشحال و مژده داد به ما که «محرمانه به آمریکا توافق شده که ایتها صدویست میلیون لیره در عرض شش ماه به ما بدهند که ماهی بیست میلیون که ما چرخ‌مان را بگردانیم تا کارها چیز بشود». این مژده را دادند به ما.

قاهره که پیاده شدیم دیدیم که توی روزنامه‌ها نوشته شده که جرج مک‌گی معاون وزارت خارجه آمریکا به‌عنوان سفیر آمریکا در ترکیه معین شده. در صورتی که این‌طوری که شنیدم معاون دائم را هیچوقت تا آن موقعی که سر کار هست معاون دائم را هیچوقت عوض نمی‌کنند یک شغل دیگر به او بدهند. بعدا شنیدم که صبح آن روز آقای سفیر انگلیس می‌رود پیش آچسن وزیر خارجه آمریکا به اعتراض که شما از پشت به ما خنجر می‌زنید و در یک چنین موقع حساسی به ایران کمک می‌کنید. آچسن منکر می‌شود. او می‌گوید نه دیشب مک‌گی وعده داده صدویست میلیون دلار شما کمک کنید. او می‌گوید از پیش خودش وعده داده و برای این که خودش را تبرئه بکند فوری مک‌گی را معزول می‌کند که می‌گویم ما خبرش را در قاهره شنیدیم و آقای دکتر مصدق هم که آمد ایران در نطق گزارشی که به مجلس داد که ما رفتیم این‌طور شد و این‌طور شد. این جرج مک‌گی که خیلی دوست ایران است ما خیلی هم خاطره بود این را معزولش کردند از آن صدویست میلیون لیره هم البته خبری نشد. حالا هر جوری می‌خواهید این را توجیه کنید.»

برش

ماجرای لرزه‌ها و گازهای گوگردی قله دماوند چیست؟

استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی می‌گوید: «در حالی که آتشفشان دماوند در حال حاضر خاموش است وجود دودخان‌ها و چشمه‌های آب گرم نشان می‌دهد که توده ماگمای داغ وجود دارد. هرچند فعالیت‌های کنونی دماوند مانند فوران‌های شدید نیست اما پایش و رصد مستمر آن ضروری است».

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، آتشفشان دماوند غول خفته‌ی البرز، در ماه‌های گرم تابستان به‌ویژه مرداد و شهریور، با پدیده‌هایی چون ابر، بخار و جریان‌های گل‌آلود لاهار توجه‌ها را به خود جلب کرده است. آیا این فعالیت‌ها نشانه‌ای از بیداری این آتشفشان است یا صرفاً بخشی از طبیعت پویای آن؟ در گفت‌وگویی با مهدی زارع، زمین‌شناس و استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی، زوایای مختلف این پدیده‌ها و وضعیت کنونی دماوند بررسی شده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

درباره وضعیت ابر، بخار و جریان آب در قله دماوند در ماه‌های مرداد و شهریور بیشتر توضیح می‌دهید؟

در ماه‌های مرداد تا شهریور، ابرها و دود و جریان گل و لای -لاهار- بیشتری در اطراف دماوند گزارش شده است. اصل در تابستان ۱۴۰۴ نیز گاه چنین شده است. دماوند به طور مداوم مه دود تولید نمی‌کند. دودخانه‌های آن گازهای گوگردی آزاد می‌کنند که می‌توانند به عنوان مه تلقی شوند. گازهای گوگردی که می‌توانند بوی تخم‌مرغ گندیده بدهند، گاهی اوقات می‌توانند به ظاهری مه آلود یا مه دود مانند در اطراف قله کمک کنند. بادهای غالب می‌توانند این گازها را به ویژه از غرب بر اطراف قله پخش کنند. اگرچه پوشش ابر یک مسئله در تمام طول سال نیست، در ماه‌های تابستان، هوا عموماً گرم‌تر می‌شود و جو کمتر متلاطم می‌شود این ماه‌ها زمان محبوبی برای کوهنوردی هستند زیرا برف‌ها ذوب می‌شوند هوا گرم می‌شود.

این لاهار چیست و چگونه در دماوند شکل می‌گیرد؟

لاهار جریانی گل‌آلود از بقایای آتشفشانی است که از آب و مواد سنگی (خاکستر، تخته سنگ و غیره) تشکیل شده و به سرعت در دامنه‌های آتشفشان حرکت می‌کند. این جریان‌ها می‌توانند به دلیل ذوب برف و یخ، باران‌های سیل‌آسا بروز رسوبات آتشفشانی یا زمین‌لغزش تشکیل شوند. در ماه‌های تابستان برف و یخ روی آتشفشان‌های ذوب و آب مورد نیاز برای تشکیل لاهار آزاد می‌شود. لاهار پدیده‌ای بسیار مخرب است که قادر به طی مسافت‌های طولانی و دفن هر چیزی در مسیر خود است و آنها را به یکی از جدی‌ترین تهدیدات مرتبط با آتشفشان‌ها تبدیل می‌کند.

منطقه خاصی هم در اطراف دماوند بیشتر تحت تأثیر لاهار قرار می‌گیرد؟

دره گزنه –گزنک– محلی است که معمولاً با جریان گل‌آلود دامنه دماوند –لاهار– به ویژه در شهریور ماه شناخته می‌شود. لاهار ترکیبی از آب و بقایای آتشفشانی در فلزهای مختلف، از خاکستر گرفته تا تخته سنگ‌هایی با قطر بیش از یک متر است. در ۷ شهریورماه ۱۳۹۷، سیل مخربی در مسیر دره "گزنک" به قله دماوند (دره "تلو") رخ داد که تا دو روز بعد از آن نیز ادامه داشت. این سیل در روستای "گزنه" موجب تخریب کامل پارک این مرکز جمعیتی شد و با گذر از روستای "گزنه" و تخریب دیواره آبراهه، در تلاقی با رود "مرازّ" و مسیر جاده هراز، به یافات منطقه گزنک آسیب وارد کرد. مسیر عبوری سیل، دره نه چندان وسیع گزنک به قله "دماوند" در محدوده بخش "آرجیخ" استان مازندران است. این مسیر، راه دسترسی به قله دماوند از یال شرقی است که به جلگه کمالی از قله به سمت شرق و جنوب شرق تا جاده هراز و رودخانه هراز ادامه دارد.

وضعیت آتشفشانی دماوند در حال حاضر چگونه است و آیا فعالیت‌های آن، خطر فوران را به دنبال دارد؟

دماوند یک آتشفشان چینه‌ای (stratovolcano) است که در حال حاضر خاموش (dormant) محسوب می‌شود، نه خاموش خواب بودن به این معنی است که فعالیت‌های آن به صورت کامل متوقف نشده و امکان فوران مجدد در آینده وجود دارد. دماوند دو مخروط شمالی – قدیمی‌تر– و جنوبی –جدیدتر– دارد. فعالیت‌هایی مانند خروج دود، بخار و رخداد زلزله‌های کوچک نشانه‌هایی از فعالیت‌های آتشفشانی هستند که در یک آتشفشان خواب طبیعی است. آنچه از دهانه قله دماوند دیده می‌شود، بیشتر بخارآب و گازهای آتشفشانی هستند. این گازها شامل بخار آب (H_2O)، دی‌اکسید کربن (CO_2) و گازهای گوگردی مانند H_2S و SO_2 هستند. این گازها از شکاف‌ها و دهانه‌های فرعی (fumaroles)، خورموزها در نزدیکی قله به بیرون متصاعد می‌شوند. وجود این گازها به این معنی است که در ژرفای کوه، هنوز ماگما و فعالیت‌های گرمایشی وجود دارد.

لرزه‌های اطراف دماوند چه علتـــی دارند؟ آیا خطری هم ایجاد می‌کنند؟

لرزه‌ای حقیقی که گاهی در اطراف دماوند گزارش می‌شوند اغلب زلزله‌های زمین‌ساختی هستند که به دلیل جابه‌جایی گسل‌های موجود در منطقه البرز رخ می‌دهند. با این حال، لرزه‌های حقیقی آتشفشانی نیز می‌توانند به دلیل حرکت ماگما یا گازها در داخل پوسته کوه ایجاد شوند. این لرزه‌ها معمولاً ضعیف‌تر از لرزه‌های زمین‌ساختی هستند و اغلب توسط مردم حس نمی‌شوند، اما در دستگاه‌های لرزه‌نگاری ثبت می‌شوند.

ویژگی‌های محفظه ماگمایی دماوند شامل چیست و چه اهمیتی از نظر انرژی زمین‌گرمایی دارد؟

با استفاده از داده‌های لرزه‌نگاری، گرانش و مغناطیسی نشان داده شده که محفظه ماگما در زیر سامانه آتشفشانی دماوند در ژرفای نسبتاً کمی قرار دارد. محفظه ماگما بین ۲ تا ۵ کیلومتری زیر سطح زمین واقع شده است و هسته آن احتمالاً از ماگمای مذاب در ژرفای بین ۳ تا ۵ کیلومتری قرار دارد. بنابراین محفظه ماگما بسیار به سطح زمین نزدیک است و از دیدگاه انرژی زمین‌گرمایی یکی از بهترین محل‌ها برای تولید انرژی پاک و تجدیدپذیر است.

محفظه اتاق ماگمایی دماوند توده‌ای به پهنای حدود ۱۰ کیلومتر است. ژرفای پوسته زیر آتشفشان دماوند از تقریبا حدود ۴۶ تا ۸۱ کیلومتر است. تحلیل‌های دقیق لرزه‌ای البرز مرکزی و دماوند، تغییرات در عمق موهو را نشان داده‌اند که مرز بین پوسته و گوشته بالایی را مشخص کرده است.

با توجه به فعالیت‌های کنونی دماوند، آیا نیازی به پایش مداوم این آتشفشان وجود دارد؟

در حالی که این آتشفشان در حال حاضر خاموش است، وجود دودخان‌ها (دریچه‌های بخار) و چشمه‌های آب گرم نشان می‌دهد که توده ماگمای داغ وجود دارد. هرچند که فعالیت‌های کنونی دماوند مانند فوران‌های شدید نیست، اما پایش و رصد مستمر آن ضروری است. دودخانه‌ها و لرزه‌های دماوند نشانه‌هایی از فعالیت‌های زمین‌گرمایی و ادامه حیات این آتشفشان هستند، نه الزاماً علامتی از یک فوران قریب‌الوقوع.